

**Suspensive Condition in Contracts and Its Cancellation with an Emphasis
on Imam Khomeini's Views**

Seyyed Mohammad Asadinezhad¹
Seyyed Hossein Safaei Moafi²

Doi: 10.22034/MATIN.2021.292808.1924
Dor: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.1.5


Abstract

Research Paper


Suspensive condition in contracts is the one that takes effect from occurrence of another event based on the contents of the contract and resolutive condition is an arrangement between the parties that an agreement will end in the event of certain circumstances. Despite the conditional unity of nature of the two institutions, the distinction in the subject of their conditionality has created different rulings and effects. This paper, reviews the difference between the two institutions in terms of rulings and effects, with focus on Imam Khomeini's views, while offering a thorough definition of the two and the general rules on suspensive condition in contracts and its cancellation. This study will show that in view of Imam Khomeini, whereas suspensive contract occurs in its composition, until before realization of the condition, no contract shall be considered effective, hence no obligation will be created and no conveyance shall be made either. However, under resolutive condition, a full contract is made first but with the occurrence of the condition, the considerations will be withdrawn by either owner or party. Therefore, in suspensive contract, the owners will be entitled to possess their property by all means and ways, but in conditional agreement, the conveyee is obliged to preserve the objection of conveyance, although violation of this imperative rule does not have any dispositive effect.

Keywords: composition, cancellation, obligations, suspensive, conditional

1 . Associate Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities. University of Guilan. Rasht. Iran. (Corresponding Author), E-mail: asadinezhad@guilan.ac.ir

 0000-0001-8664-105X

2 . Ph.D. Student in in Private Law, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities. University of Guilan. Rasht. Iran. E-mail: hsafaei@phd.guilan.ac.ir

 0000-0001-8248-3955

تعلیق در انعقاد قرارداد و انفساخ آن با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)^(۵)

سید محمد اسدی نژاد^۱ DOI: 10.22034/MATIN.2021.292808.1924

سید حسین صفایی معافی^۲ DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.1.5

مقاله پژوهشی

چکیده: عقد معلق، عقدی است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف بر امر دیگری باشد و شرط فاسخ، شرطی است که انحلال عقد را موقوف به امری می‌کند. علی‌رغم وحدت ماهیت تعلیقی این دو نهاد، تمایز موضوع تعلیق آنان سبب شده تا احکام و آثار متفاوتی داشته باشند. در این مقاله، ضمن بیان تعریف و احکام کلی تعلیق در انعقاد و انفساخ قرارداد، تفاوت این دو نهاد از حیث احکام و آثار، با تأکید بر دیدگاه امام خمینی، مورد مطالعه قرار گرفته است. در این نوشتار، نشان داده خواهد شد که به نظر امام خمینی، چون تعلیق ایجاد عقد نسبت به انشای آن انجام می‌گیرد تا پیش از وقوع معلق علیه، عقدی ایجاد نشده، هیچ‌گونه تعهدی به وجود نمی‌آورد و ملکیتی را منتقل نمی‌سازد؛ ولی در تعلیق انفساخ قرارداد، ابتدا عقد کاملی شکل می‌گیرد؛ اما با وقوع معلق علیه، عوضین به مالکان پیشین خود بازمی‌گردند؛ بنابراین، مالکان، در عقد معلق، حق هرگونه تصرف در مال خویش را خواهند داشت، لیکن در عقد مشروط به شرط فاسخ، منتقل‌الیه مکلف به حفظ موضوع معامله است. هرچند تخلف از این حکم تکلیفی، اثر وضعی ندارد.

کلیدواژه‌ها: انشا، انفساخ، تعهد، تعلیق، شرط.

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول)

E-mail: asadinezhad@guilan.ac.ir

ORCID: 0000-0001-8664-105X

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

E-mail: hsafaei@phd.guilan.ac.ir

ORCID: 0000-0001-8248-3955

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۱

پژوهشنامهٔ متین / سال بیست و پنجم / شمارهٔ نود و نه / تابستان ۱۴۰۲ / صص ۲۸-۱

مقدمه

مفهوم «عقد معلق» و «شرط فاسخ» امروزه در بین حقوقدانان بسیار شناخته شده است و کم‌تر حقوق‌دانی است که در صحت آن دو شک کند. معاملات معلق در بین عوام متداول بوده و آنچه از ظاهر کلام برخی پیدا است، در گذشته نیز شایع بوده است^۱ (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص. ۳۸۲)؛ اما گاهی طرفین مقصود خود را به روشنی بیان نمی‌کنند و از متن توافق، نمی‌توان دریافت کدام را قصد کرده‌اند. حال آنکه هرکدام از این دو نوع تعلیق تأثیر متفاوتی بر قرارداد داشته و حقوق و تعهدات متفاوتی برای طرفین به وجود می‌آورد. لکن با تحلیل توافق طرفین نسبت به نتیجه‌ای که از ایجاد چنین تعلیقاتی مدنظرشان بوده، می‌توان فهمید، کدام نوع تعلیق را در نظر داشته‌اند. از این جهت، تبیین تمایز آثار تعلیق در انعقاد قرارداد و انفساخ آن ضروری است.

جایگاه فکری امام خمینی در علم فقه بر کسی پوشیده نیست و بررسی اندیشه‌های فقهی ایشان می‌تواند دستاوردهای حقوقی نوینی را ارائه دهد. از این رو، در این پژوهش، با تعمق در گفته‌های امام خمینی، تمایز تعلیق در انعقاد قرارداد و انفساخ آن مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. بر این اساس، در این مقاله، بررسی می‌شود که از دیدگاه این فقیه بزرگ، بین عقد معلق و مشروط به شرط فاسخ چه تمایزی وجود دارد و این تمایز چه آثاری را بر قرارداد خواهد گذاشت؟

در این نوشتار، مطالب به دو مبحث تقسیم گشته که در مبحث نخست، تعریف و حکم هرکدام از عقد معلق و عقد مشروط به شرط فاسخ تشریح شده و سپس در مبحث دوم، احکام این دو نوع عقد از حیث آثار، بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

تاکنون تفاوت تعلیق در انعقاد قرارداد و انفساخ آن به‌طور مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته است؛ اما پژوهش‌هایی که پیرامون عقد معلق یا شرط فاسخ به نگارش درآمده‌اند، مبحثی

۱. البته برخی تعلیق در بین عامه مردم شایع نبوده و در پاره‌ای مواقع، مابین دول چنین عهدی واقع می‌شود. البته ایشان تعلیق در شرایط صحت عقد را متداول می‌دانند (خوانساری نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص. ۱۱۳).

کوتاه و مختصر را به بررسی تفاوت این دو نوع تعلیق اختصاص داده‌اند. از جمله کتاب قواعد عمومی قراردادها (کانوزیان، ب ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۳۴۵-۳۴۴) و مقاله «مفهوم، ماهیت و آثار شرط انفساخ در حقوق ایران» (ابهری و افچنگی، ۱۳۸۸، صص ۱۰-۱۲). در تألیفاتی که پیرامون فقه اسلامی نوشته شده، تعلیق در انحلال عقد و انعقاد آن به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته است (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۱، صص ۱۸۶-۱۷۱)؛ بنابراین، تفاوت این نوشتار با پژوهش‌های پیشین در این است که اولاً، تمایز تعلیق در انعقاد قرارداد و انفساخ آن، به طور مستقل مورد مطالعه قرار گرفته و ثانیاً، این تمایز مطابق با دیدگاه امام خمینی بیان شده است.

۱. مفهوم قراردادهای معلق

تعلیق را در لغت فارسی به «آویزان کردن چیزی به چیز دیگر» معنی کرده‌اند (عمید، ۱۳۸۵، صص ۴۴۲) و در لغت عرب نیز معنایی همسان دارد (طباطبایی، ۱۳۶۶، صص ۴۵۳)، پس معلق چیزی است «آویخته شده» (عمید، ۱۳۸۵، صص ۱۱۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۶، صص ۴۵۳). بر این اساس، عقود را که وقوع یا انفساخ آن معلق بر امری شده باشد، باید «معلق» نامید، چراکه وجود یک قرارداد، اعم از انعقاد یا پایان آن، منوط به امری گشته است (McKendrick, 2016, p.174)؛ بنابراین، اطلاق عقد معلق تنها به قراردادی که انعقادش معلق به شرطی شده باشد، صحیح به نظر نمی‌رسد. بر همین مبنا، ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی قدیم فرانسه بیان داشته: «تعهد هنگامی معلق است که وابسته بر حادثه‌ای نامعین (محمّل) در آینده باشد. اعم از اینکه با معلق کردن تعهد تا زمان وقوع حادثه یا با معلق کردن زوال آن برحسب اینکه حادثه مزبور واقع خواهد شد یا نه». همچنین، در ماده ۵-۳-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدوریت^۱ مقرر شده: «یک قرارداد یا تعهد قراردادی ممکن است مشروط به

۱. Unidroit این اصول را مؤسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی Principles of International Commercial Contracts تدوین کرده، اولین نسخه آن در سال ۱۹۹۴، نسخه دوم در سال ۲۰۰۴ و آخرین نسخه در سال ۲۰۱۰ تدوین شده است. برای مطالعه متن مواد نسخه ۲۰۱۰ بدون تفاسیر رسمی مؤسسه ر.ک. به: <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/blackletter2010-integralversionprinciples2010-e.pdf> و برای مطالعه نسخه ۲۰۱۰ همراه با متن کامل تفاسیر رسمی مؤسسه ر.ک. به: <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010-integralversionprinciples2010-e.pdf>

وقوع حادثه‌ای نامعلوم در آینده، منعقد گردد، بدین ترتیب که قرارداد یا تعهد قراردادی تنها در صورت وقوع [آن] حادثه اثر گذارد (شرط تعلیقی^۱) یا [آنکه] در صورت وقوع آن حادثه به پایان رسد (شرط فاسخ^۲)^۳. چنانکه در انگلستان نیز «شرط تعلیقی»^۴ را شامل هر دو قسم دانسته‌اند (McKendrick, 2016, p.174); بنابراین، تعلیق در انعقاد و انفساخ قرارداد، ماهیت یکسانی دارد؛ اما آثار هر کدام متفاوت است. در مبحث نخست، ابتدا، تعریف «تعلیق انعقاد قرارداد» و سپس، تعریف «تعلیق انفساخ قرارداد»، جداگانه، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت تا تمایز موضوع این دو آشکار گردد.

۱-۱. تعلیق انعقاد قرارداد

تعلیق انعقاد قرارداد، عبارت است از اینکه عقد به‌طور صریح به‌وسیله ادات شرط و یا به‌طور ضمنی بدون ادات شرط، بر چیزی معلق شده باشد، بدین صورت که طرفین انعقاد معامله فقط در صورت وجود آن چیز قصد کنند (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۷۷). مطابق ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه: «شرط، [در انعقاد قرارداد] جایی تعلیقی^۵ است که وقوع آن موجب نامعلق شدن تعهد گردد»؛ یعنی تعهدی مشروط شکل می‌گیرد که اجرای آن تا پیش از وقوع شرط لازم نیست و پس از آن، تعهد کامل شده، بی‌قید می‌گردد و آثار خود را بر طرفین تحمیل می‌کند؛ اما اگر معلق علیه در عقد معلق واقع نشود، شکل‌گیری عقد منتفی است و هیچ‌گونه تعهدی برای طرفین به وجود نمی‌آید. چنانکه ماده ۱۳۰۴-۶ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «اگر یک شرط تعلیقی [در انعقاد قرارداد] واقع نشود، فرض می‌شود که تعهد هیچ‌گاه وجود نداشته است».

1. Suspensive condition
2. resolutive condition
3. "A contract or a contractual obligation may be made conditional upon the occurrence of a future uncertain event, so that the contract or the contractual obligation only takes effect if the event occurs (suspensive condition) or comes to an end if the event occurs (resolutive condition)".
4. Contingent conditions
5. Suspensive

در انگلستان، شرط تعلیقی در انعقاد قرارداد^۱ را شرطی دانسته‌اند که سبب معلق شدن قرارداد تا زمان وقوع یک حادثه معین می‌شود (Martin, 2011, p.118). بر این اساس، نمی‌توان گفت که پیش از وقوع معلق علیه قراردادی شکل گرفته و تعهدی را برای طرفین ایجاد کرده است. چنانکه لرد دنینگ^۲ در دعوایی^۳ در خصوص ماهیت تعلیق انعقاد قرارداد، اظهار داشت: «گاهی شرط مقدم به تشکیل قرارداد است، یعنی آن شرط باید واقع شود [تا] قراردادی منعقد گردد» (Furmston & Tolhurst, 2016, p.199). البته طرفین می‌توانند، در توافق خویش، بلافاصله عقد الزام‌آوری را انشا کرده؛ اما تعلیق را صرفاً در عملکرد^۴ قرارداد قرار دهند (Beatson & others, 2010, p.143) که مشابه تعلیق در منشأ خواهد بود.

مستفاد از مفهوم مخالف ماده ۱۸۹ قانون مدنی ایران، عقد معلق، عقدی است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف بر امر دیگری باشد. بر این اساس، می‌توان گفت، عقد معلق، در حقوق ایران، با تعلیق در انشا باطل و با تعلیق در منشأ صحیح است (شهیدی، الف، ۱۳۹۶، ص. ۷۳)؛ چراکه در نص ماده، تعلیق در «تأثیر عقد» پذیرفته شده است و این یعنی خاصیت اصلی عقد، معلق بر امری گردد (شهیدی، الف، ۱۳۹۶، ص. ۷۴).

در فقه امامیه، در صحت یا بطلان عقد تعلیقی و آنکه تعلیق در کدام قسمت (انشا یا منشأ) چنین حکمی دارد، مورد اختلاف بوده و استدلال‌های مختلفی در تقویت هر کدام اظهار شده است (بروجردی عبده، ۱۳۸۰، صص. ۱۶۴-۱۶۰؛ موسوی بجنوردی و سمیعی زفرقندی، ۱۳۹۰، صص. ۲۴-۲۵؛ روشن و کرمی، ۱۳۹۱، صص. ۹۵-۹۱)؛ اما امام خمینی قائل به صحت تعلیق در انشاست. به اعتقاد این فقیه، موقوف ساختن انشای عقد به امری دیگر اشکال عقلی ندارد. قیاس ایجاد اعتباری و ایجاد تکوینی، قیاس مع الفارق است و ملازمه‌ای بین امتناع تعلیق در تکوین و امتناع آن در تشریح و عالم اعتبار نیست. از این رو، اگر فردی بگوید: «اگر زید آمد وی را بزن»، قید به هیئت بازمی‌گردد نه ماده. تلفظ از تکوینیات است و

۱. در حقوق انگلستان برای تعلیق انعقاد قرارداد، لفظ «condition precedent» به معنای «شرط مقدم» استعمال می‌شود؛ زیرا پیش از انعقاد قرارداد برای شکل‌گیری آن ضروری است.

2. Denning. L.J

3. The Trans Trust Sprl v. Danubian Trading Co. Ltd(1952)

4. Operation

تعلیق آن غیر عقلایی است، برخلاف تعلیق در انشا (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۴۸). ایشان فراتر رفته و می‌گویند که تعلیق در منشأ معنایی ندارد؛ زیرا عقل، تعلیق در معانی تصویریه را نمی‌پذیرد. بلکه تعلیق باید به معانی تصدیقیه بازگردد، خواه این معنی انشایی باشد و خواه خبری (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۴۹). در نتیجه، امام خمینی قائل به صحت تعلیق در انشا می‌باشند و تعلیق در منشأ را مردود می‌شمارند. این نظر شباهت به نظر یادشده در حقوق انگلستان دارد؛ زیرا با صحت تعلیق در انشا، پیش از حصول معلق علیه، هیچ توافقی وجود ندارد و پس از تحقق معلق علیه است که این توافق موجود می‌گردد.

به‌طور کلی، علمایی که قائل به صحت تعلیق در انشا هستند، در امور اعتباری، مانعی برای تعلیق در ایجاد عقد نمی‌یابند؛ زیرا امور اعتباری وابسته به قصد و اراده طرفین است (حکیم، بی تا، ص ۱۰۸)، نه قواعد عالم تکوین. از این رو، تعلیق در انشا مانع عقلی ندارد (اراکی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴۵)؛ اما علمایی که تعلیق در انشا را باطل می‌پندارند، بین عالم تکوین و اعتبار، تفاوتی قائل نیستند. در حالی که اعمال حقوقی جنبه مادی ندارند و نهادهای حقوقی در عالم اعتبار و مجرد از عالم مادی به وجود می‌آیند. از همین جهت، برخی از علما نظریه بطلان تعلیق در انشا را به علت قیاس بین عالم اعتبار و تکوین دانسته (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۴۸) و تعلیق در انشا را در قالب واجب مشروط صحیح می‌دانند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۱۲۸؛ اراکی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۴۵؛ امامی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۱۳). به‌عنوان نمونه وجوب حج، واجب مشروط می‌باشد؛ زیرا واجب بودن آن مشروط به استطاعت مالی است (آل عمران: ۹۷). در واجب مشروط اگر بیان شود، قید (استطاعت) به ماده (حج) بازمی‌گردد، قید در واجب مشروط، قید واجب است نه وجوب. چون الآن وجوب انشا شده، ولی واجب، یعنی حج، معلق است. به اصطلاح گفته می‌شود: «الوجوب حالی و الواجب استقبالی». مبنای عدم پذیرش تعلیق در انشا و پذیرش تعلیق در منشأ همین استدلال است. چون که انشای وجوب صورت گرفته، گویی وجوب مطلق بوده و مقید به شرط نشده، بلکه متعلق وجوب، مقید به شرط گشته است. بر این اساس، تحصیل استطاعت واجب می‌شود؛ اما اگر بیان شود، قید و شرط معطوف به ماده نیست، بلکه به

هیئت ابرمی گردد (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص. ۳۴۸؛ ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۳۴۸). در این صورت، وضعیت متفاوت خواهد بود. وجوب و واجب هر دو استقبالی خواهند بود؛ یعنی انشای وجوب بر تحقق شرط معلق بوده است.

۲-۱. تعلیق انفساخ قرارداد

در تعریف «شرط فاسخ» می‌توان اظهار داشت، توافقی است که طرفین عقد درباره انفساخ آن در آینده در صورت وقوع امری می‌کنند، به طوری که عقد با وقوع آن امر، خودبه‌خود منفسخ شود (اسدی نژاد و بهارلو قره بلطاقی، ۱۳۹۰، ص. ۳). پس هرگاه معلق علیه واقع شد، عقد نیز منفسخ می‌گردد.

مطابق قسمت اخیر ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه، شرط انحلالی^۲ قرارداد، شرطی است که «وقوع آن سبب انحلال^۳ تعهد گردد». ابتدا، عقد کاملی شکل گرفته و تعهدات طرفین ایجاد می‌گردد؛ اما با وقوع شرط، قرارداد منحل می‌شود. لکن عدم تحقق معلق علیه مانع بقای عقد نیست و تعهدات طرفین باقی خواهد ماند؛ زیرا پیش از حصول معلق علیه، عقد به‌طور کامل شکل گرفته بود. گویی طرفین از ابتدا چیزی را شرط نکرده‌اند. بر اساس ماده ۷-۱۳۰۴ قانون مزبور، انحلال قرارداد می‌تواند حسب توافق طرفین اثر قهقرایی داشته باشد یا صرفاً نسبت به آینده اعمال شده و سبب انفساخ از لحظه وقوع شرط گردد. هرچند اصل بر قهقرایی بودن آن است.

در انگلستان گفته شده که اگر طرفین در زمان انعقاد قرارداد توافق کنند تا قرارداد بلافاصله شکل گرفته و الزام آور شود؛ اما در صورت وقوع امری خاص، آن قرارداد خودبه‌خود فسخ شده یا یکی از طرفین حق فسخ آن را داشته باشد، «شرط مؤخر»^۴ در انحلال قرارداد نامیده می‌شود (Beatson & others, 2010, p.143). اصلاً، وجه تسمیه این

۱. در مثال فوق هیئت همان وجوب است و حج که از اسماء است همان واجب است.

2. résolutoire

3. anéantissement

۴. در حقوق انگلستان برای تعلیق انحلال قرارداد، لفظ «condition subsequent» به معنای «شرط مؤخر» استعمال می‌شود؛ زیرا پس از انعقاد قرارداد و جهت انحلال آن به کار گرفته می‌شود.

شرط آن است که نشان داده شود، قرارداد از ابتدا وجود دارد و بعداً به پایان می‌رسد (Furmston & Tolhurst, 2016, p.198). چنانکه در دعوی *BC Knowsley v Brown* (۱۹۸۶)، یک قرارداد استخدامی مقرر می‌داشت، انتصاب یک معلم، تنها تا زمانی ادامه داشته باشد که سرمایه کافی را کمیسیون خدمات نیروی انسانی^۱ یا سایر حامیان مالی تأمین کنند؛ یعنی عدم تأمین سرمایه اشخاص مزبور سبب انحلال قرارداد می‌شد. دادگاه حکم نمود، قرارداد از زمان توقف چنان سرمایه‌ای منفسخ گشته است (Beatson & others, 2010, p.143)؛ بنابراین، اثر وقوع شرط نسبت به آینده بوده و فاقد اثر قهقرایی است.

قانون مدنی ایران، برعکس فرانسه، هیچ تعریفی از شرط فاسخ ارائه نمی‌دهد. در فقه امامیه نیز چنانکه برخی اذعان داشته‌اند (شهیدی، ۱۳۹۶، ص. ۵۸)، درباره شرط فاسخ به مفهوم یادشده، تحت عنوانی مستقل، بحث نشده است. باین حال، امام خمینی، مانند برخی دیگر از فقها، در کتاب *خیارات*، در بحثی تحت عنوان «بیع الخیار» که در ذیل خیار شرط (به‌عنوان یکی از اقسام خیارات) آمده، پنجمین وجه از وجوه بیع الخیار را مطرح می‌کند که تطابق با نهاد شرط فاسخ دارد^۲.

وجه مذکور عبارت است از اینکه رد ثمن، به‌عنوان قید انفساخ عقد در نظر گرفته شود، یعنی به‌مجرد رد ثمن، بیع منفسخ گردد؛ بنابراین، مشروطه مسلط بر سبب انفساخ (پرداخت ثمن) است، نه اینکه خود مباشرت به فسخ نماید (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۲، ص. ۳۵۶). هرچند، سبب انفساخ تنها محدود به رد ثمن گشته است؛ اما به نظر نمی‌آید که چنین محدودیتی موضوعیت داشته باشد. همچنین تعهدی به انجام سبب انفساخ وجود ندارد و «تعلیق تعهدی»^۳ نیست.

از کلام امام خمینی برداشت می‌شود که ایشان این وجه از وجوه بیع الخیار را صحیح می‌دانند. چنانکه در ضمن ذکر وجه مذکور از بیع الخیار، ایراداتی را بیان کرده و رد می‌کنند. از جمله آنکه بیان‌شده، در صورت پذیرش این وجه از بیع الخیار یا انفساخ، عقد

1. Manpower Services Commission

۲. البته وجه ششم نیز بر فرض اقاله معلق بودن شرط فاسخ، می‌تواند مطابقت با نهاد شرط فاسخ پیدا کند.

3. promissory condition

بدون سبب می ماند و یا شیء عدم خودش را اقتضا خواهد کرد. امام خمینی در پاسخ می گوید، سبب در چنین مواردی خود شرط است، چنانکه در سایر شروط نتیجه نیز به همین منوال است و برای فسخ سبب خاصی لازم نیست، مانند طلاق در نکاح. از طرفی، عقد مشروط به شرط فاسخ عدم خود را مقتضی نیست. بلکه شرط، مقتضی انفساخ عقد است، نه خود عقد که در این اشکالی وجود ندارد. همچنین، ایشان در تقویت همین نظر، معتقدند که شرط انفساخ مانند شرط سقوط خیار است نه مانند تعاقب؛ بنابراین، قیاس این دو با یکدیگر مع الفارق است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۳۵). بر این اساس، چنانکه متعاقبین می توانند انفساخ خود به خودی عقد را موکول به رد ثمن نمایند، همچنان می توانند انفساخ عقد را معلق بر هر شیء دیگری کنند.

۲. آثار تعلیق در انعقاد قرارداد و انحلال آن

بنا به آنچه بررسی شد، روشن می گردد که تعلیق در انعقاد و انفساخ قرارداد، ماهیت یکسانی دارد و اختلاف تنها در آثار تعلیق است. این تمایز سبب اختلاف در احکام و آثار دو نوع تعلیق خواهد شد. در این محبت، تمایز آثار تعلیق در انعقاد و انفساخ قرارداد، در شرایطی، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۲-۱. اثر تعلیق از حیث نوع معلق علیه

از شرایط معلق علیه، عارضی بودن آن بر جوهر عقد است (یزدانیان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷)؛ زیرا پیش از وجود آن رکن، هیچ گاه عقد شکل نمی گرفت. مثلاً، اگر فردی در بیع صرف بگوید: «اگر قبض کنی، فروختم»، چنین تعلیقی را نمی توان تعلیق حقیقی نامید؛ زیرا واقعاً در کلام چیزی نیفزوده و معلق علیه از ضروریات عقد است که تشکیل عقد اصلاً و رأساً بدون آن‌ها تحقق نمی یابد (خویی، بی تا، ج ۳، صص ۶۳-۶۲). همچنین است اگر معلق علیه از شرایط صحت عقد باشد. چراکه صحت عقد مبتنی بر جهات مزبور است و ذکر معلق علیه یا عدم ذکر آن هیچ تفاوتی در سرنوشت عقد نخواهد داشت (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۷). ماده ۷۰۰ قانون مدنی ایران نیز می تواند مؤید همین مطلب باشد.

اما غیر عقلایی است که انفساخ عقد، مشروط به شرایط صحت یا ارکان آن شود؛ زیرا

پیش از حصول ارکان یا شرایط صحت عقد (به عنوان معلق علیه)، هنوز عقدی شکل نگرفته تا منفسخ گردد و پس از حصول آن نیز مقارنت زمانی بین شکل گیری قرارداد و انفساخ آن پدید می آید. انفساخ زمانی معنا خواهد داشت که عقد به طور کامل موجود شود و سپس، ولو یک لحظه پس از آن، منفسخ گردد.

لیکن اگر تعلیق بر امر یا صفتی خارجی باشد، بر این اساس، اگر معلق علیه، در انعقاد قرارداد، متیقن الحصول در حال باشد، عقد صحیح خواهد بود. هر چند بازگشت این تعلیق به بیان یک واقعیت است و مصداق عقد معلق نیست (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۷۴) و صوری می باشد (خویی، بی تا، ج ۶، ص ۶۴). از همین رو، برخی هم که قائل به بطلان عقد تعلیقی هستند، تعلیق بر معلوم الحصول در حال را تعلیق حقیقی نمی دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۸). بر همین مبنا، ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه مقرر داشته، «تعهد زمانی معلق است که وابسته به واقعه ای نامعلوم [یا غیر قطعی] در آینده بشود». از مفهوم مخالف این ماده می توان دریافت که اگر تعلیق (اعم از انعقاد و انفساخ قرارداد) بر امر معلوم یا غیر معلوم در حال بشود، عقد را نباید معلق شمرد. مقررۀ مشابهی در ماده ۵-۳-۱ اصول یونیدوریت وجود دارد. بر همین اساس، تعلیق انفساخ عقد بر امری متیقن الحصول در حال، مانع شکل گیری توافق است؛ زیرا گویی که از ابتدا، طرفین اصلاً قصد انعقاد قرارداد را نداشته اند. مثل آنکه بایع بگوید: «اگر امروز جمعه باشد، عقد منفسخ شود». در این مورد بین انعقاد و انفساخ عقد مقارنت به وجود می آید.

جایی که معلق علیه معلوم الحصول در آینده باشد، خود دو صورت دارد. گاهی معلق علیه به صورت واجب معلق است. در این صورت تعلیقی وجود نخواهد داشت و عقد صحیح است؛ زیرا عاقد می داند که معلق علیه حاصل خواهد شد و این نمی تواند تعلیق در کلام باشد (خویی، بی تا، ج ۳، ص ۶۵). در مقابل، گاهی تعلیق به صورت واجب مشروط است؛ مانند آنکه بایع بگوید، خانه خود را فروختم، زمانی که ماه رمضان فرارسد و منظور بایع، تحقق بیع از حین فرارسیدن ماه رمضان باشد نه از هم اکنون. به عقیده امام خمینی چنین تعلیقی صحیح و بلا اشکال است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۴۸؛ ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۳).

تعلیق انفساخ عقد به چنین معلق علیهی را نیز نباید شرط فاسخ پنداشت. بلکه نوعی

توقیت انحلال عقد است؛ بنابراین، در شرط فاسخ نیز معلق علیه باید محتمل باشد نه مسلم (شهیدی، ب ۱۳۹۶، ص ۵۸). چنانکه ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه نیز مؤید همین حکم است. البته به نظر می‌رسد، بنا به اصل صحت و انتفاع مانع، چنین شرطی صحیح باشد. اگر معلق علیه مجهول در حال باشد، به نظر امام خمینی، با تعلیق در انشای قرارداد، صحیح خواهد بود (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۵۲)؛ اما نباید چنین تعلیقی را نیز حقیقی پنداشت (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۰۰)؛ زیرا اگر تعلیق بر امر حال باشد، آن امر یا واقع شده است و یا نشده که علم طرفین نسبت به آن امر، کاشف از واقع است نه تعلیق حقیقی. به عبارت بهتر، مجهول بودن امر به سبب عدم علم طرفین است، نه آنکه نفس وقوع امر مردد بین ممکن یا غیرممکن باشد. پس اگر معلق علیه واقع شده باشد، عقد صحیح است و در صورت عدم وقوع معلق علیه، عقدی شکل نمی‌گیرد. در تعلیق انفساخ قرارداد، در صورت عدم وقوع معلق علیه، چون شرط فاسخ عمل نکرده، عقد صحیح خواهد بود و در صورت حصول معلق علیه، بین ایجاد عقد و انفساخ آن مقارنت پدید می‌آید که عقد باطل خواهد شد. به نظر، از همین جهت باشد که قانون مدنی فرانسه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدوریت مقرر می‌دارند، تعلیق عقد (در ایجاد و انفساخ) باید نسبت به آینده باشد. البته در انگلستان، در دعوی *Sparkes v Bland* (۱۹۹۹)، چنین تعلیقی صحیح پنداشته شده است. خواهان، یک شناگر بین‌المللی بود که به‌عنوان مشاور انجمن شنای غیرحرفه‌ای^۱ جهت تبلیغ طرح جوایز انجمن، مشغول به کار شده بود. این قرارداد به انجمن اجازه می‌داد تا در صورت محکومیت خواهان، به هرگونه جرم جدی یا هر خطایی که انجمن یا خودش را به بی‌آبرویی کشاند، اشتغال وی را خاتمه دهد. انجمن دریافت که پیش از انعقاد قرارداد، خواهان برای ارائه توصیه‌های تجاری به مشتریان انجمن، رشوه یا حق‌العمل گرفته بود. دادگاه تجدیدنظر حکم نمود، فعل خواهان، انجمن را به بی‌آبرویی کشانده و انجمن مستحق فسخ قرارداد بود (Elliott & Quinn, 2017, p.330). بر این اساس، علی‌رغم آنکه معلق علیه پیش از انعقاد قرارداد حاصل شده و در زمان انعقاد مجهول بود، انفساخ قرارداد

1. Amateur Swimming Association (ASA)

توانست پس از انعقاد قرارداد و در زمان کشف واقع، روی دهد^۱. با پذیرش این ضابطه، دیگر مقارنت بین ایجاد و انفساخ عقد پدید نخواهد آمد.

اگر معلق علیه مجهول الحصول در آینده باشد، مطابق دیدگاه امام خمینی، عقد و تعلیق در انشا صحیح بوده و آثار مترتب بر آن خواهد شد (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۵۲). شرط فاسخ نیز همچنان است مطابق با ماده ۱۳۰۴ قانون مدنی فرانسه و ۵-۳-۱ اصول یونیدوریت، تنها همین قسم شرط، تعلیقی محسوب می‌گردد.

۲-۲. اثر تعلیق با مدت مجهول

آیا باید برای تعلیق قرارداد (اعم از انعقاد و انفساخ) مدتی معین شود؟ تأثیر وضعی مجهول گذاشتن مدت بر قرارداد چیست؟

در حقوق ایران، برخی با استفاده از وحدت ملاک شرط خیار و شرط فاسخ، مستند به ماده ۴۰۱ قانون مدنی، قائل به بطلان شرط و عقد هستند؛ زیرا ملاک بطلان هر دو مورد غرری بودن معامله است و تفاوتی بین انحلال عقد با اراده متعاملین و یا به جهت حصول معلق علیه خارج از اراده آنان وجود ندارد (شهیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۳). به نظر می‌رسد، با توجه به آنکه امام خمینی، شرط فاسخ را یکی از وجوه بیع الخیار می‌دانند، با همین نظر موافق باشند و حکم بطلان خیار شرط در صورت نامعلوم بودن مدت را به علت غرر ناشی از آن به شرط فاسخ نیز تسری دهند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۰۸).

در خصوص تعلیق انعقاد قرارداد، بیان شده، چون با توجه به ماده ۴۰۱ قانون مدنی، انحلال عقد نیازمند تعیین مدت است، تعیین مدت برای تعلیق ایجاد قرارداد، به طریق اولی لازم است، و الا، موجب بروز غرر خواهد شد. چراکه تا مدت نامعلومی، طرفین در انعقاد عقد یا عدم آن سردرگم خواهند بود (یزدانیان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸). امام خمینی، در این خصوص، اظهار نظر نکرده‌اند؛ اما به نظر می‌آید، مطابق با دیدگاه ایشان، چون که پیش از وقوع معلق علیه هنوز عقدی ایجاد نگشته، بحث از غرری بودن آن موضوعاً منتفی است.

1. <https://swarb.co.uk/bland-v-sparkes-and-another-ca-17-dec-1999/>, last visited: 23/7/2021

قیاس چنین عقدی با عقد مشروط به شرط فاسخ با مدت نامعلوم، قیاس مع الفارق است؛ زیرا در اخیری، عقدی شکل گرفته و مجهول ماندن پایان آن سبب تسری غرر به کل عقد خواهد شد. البته اگر در عقد معلق پیش از وقوع معلق علیه، قائل به وجود نوعی حق و تعهد ابتدایی باشیم که موضوع آن حفظ مورد عقد در وضعیت زمان انشا باشد (شهیدی، الف ۱۳۹۶، ص. ۷۶) تسری غرر به این تعهد ممکن است؛ زیرا متعهد نمی‌داند تا چه زمانی باید مورد معامله را حفظ کند. حال آنکه امام خمینی قائل به صحت تعلیق در انشاست که با پذیرش تعلیق در انشا چنین حقی برای متعهدله ایجاد نمی‌گردد (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۱، ص. ۱۸۱). البته با توجه به مقتضای نظم عمومی و جلوگیری از ایجاد رنج برای متعهد یا متعهدله، از این جهت که نمی‌دانند چه زمانی عوضین به دارایی آنان ملحق خواهد شد، بعید نیست که چنین شرطی از این جهت باطل و سببی برای جلوگیری از تشکیل قرارداد باشد.

قانون مدنی فرانسه در این خصوص مقرره‌ای ندارد؛ اما مطابق ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی قدیم فرانسه: «... جایی که [برای تعلیق اعم از انعقاد و انفساخ] زمان معین نشود، شرط ممکن است همیشه برآورده شود؛ و تنها در صورت اطمینان از عدم وقوع آن حادثه (معلق علیه)، مردود محسوب می‌گردد». بر این اساس، تعیین زمان برای تعلیق واجب نیست و تا زمانی که رجای وقوع معلق علیه وجود دارد، باید شرط را باقی دانست. در مقابل، ماده ۱۷۷۳ قانون مدنی ایالت لوئیزیانای آمریکا بیان می‌دارد: «... اگر زمانی برای وقوع حادثه (معلق علیه) معین نشود، شرط ممکن است در یک زمان عقلایی واقع شود. [اما] چه زمان معین بشود و چه نشود، شرط مردود در نظر گرفته می‌شود، وقتی معلوم گردد که حادثه رخ نخواهد داد». لذا یک زمان عقلایی برای وقوع معلق علیه در نظر گرفته خواهد شد، نه آنکه تا ابد تعلیق استمرار یابد. در حقوق انگلستان مستفاد از رأی *Ltd Plantations Aberfoyle* و *Cheng v* (۱۹۵۹)، به نظر، در صورت عدم تعیین مدت برای تعلیق، باید زمانی متعارف در نظر گرفت. مخصوصاً در جایی که طرفی موظف است، مقدمات وقوع تعلیق را فراهم آورد

۱. لوئیزیانا، تنها نظام حقوقی مدنی (نوشته) در ایالات متحده آمریکا است. این ایالت نظام حقوقی مدنی خود را از دو نظام مدنی اسپانیا و فرانسه، با توجه به پیشینه تاریخی این ایالت، اخذ کرده است. سیستم حقوق لوئیزیانا را ترکیبی از نظام حقوق مدنی و عرفی (کامن لا) دانسته‌اند (<https://libguides.law.lsu.edu/c.php?g=693022>).

(مانند بیع‌الخیار)، این تعهد نمی‌تواند تا ابد ادامه یابد، بلکه باید یک مدت زمان متعارفی قائل شد (Furmston & Tolhurst, 2016, p.243).

۳-۲. اثر تعلیق با معلق علیه فاسد

فساد معلق علیه چه تأثیر وضعی بر قرارداد خواهد گذاشت؟

بطلان معلق علیه در انعقاد قرارداد سبب بطلان عقد خواهد شد؛ اما در شرط فاسخ چنین اثری نداشته و سبب فساد عقد نمی‌شود؛ زیرا عقد به تمام ماهیتش، پیش از ایجاب شرط، به واسطه ایجاب یا عیناً شده است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۳۶۰). هنگامی که انشای عقد موکول به امر باطلی شود، چون امر باطل فاقد اثر است، تعهدی به وجود نخواهد آمد. لیکن وقتی امر باطل به صورت شرط فاسخ در قرارداد درج شود و انفساخ قرارداد موکول به آن گردد، به علت فاقد اثر بودن امر باطل، انفساخ هیچ گاه واقع نشده و عقد همچنان باقی خواهد ماند (بهری و افچنگی، ۱۳۸۸، ص ۱۱؛ عسکری و جعفری، ۱۳۹۷، ص ۳۳). البته اگر معلق علیه در شرط فاسخ باطل به واسطه اختلاف با مقتضای عقد باشد، چنین بطلانی سبب خواهد شد که عقد نیز باطل گردد (کاتوزیان، ب ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۳۴۴) مانند وقف، چون تأیید در آن شرط است (حسینی عاملی، بی تا، ج ۹، ص ۱۳)، شرط انفساخ مخالفت با مقتضای وقف دارد.

بر اساس ماده ۱۳۰۴-۱ قانون مدنی فرانسه، «معلق علیه باید قانونی باشد. در غیر این صورت، تعهد باطل است». با توجه به اطلاق ماده، هیچ تفاوتی بین شرط تعلیقی در انعقاد و انفساخ قرارداد وجود ندارد. شاید بدین علت که در حقوق فرانسه وقوع شرط فاسخ جنبه قهقرایبی دارد. پس در هر دو صورت باید عقد را باطل دانست. برخلاف این مقرر، ماده ۱۷۶۹ قانون مدنی لوئیزیانا بیان می‌دارد، تنها اگر «شرط تعلیقی [در انعقاد قرارداد] غیرقانونی یا ناممکن باشد، تعهد را باطل می‌گرداند». در تعلیق انفساخ قرارداد، چون عقد پیشتر شکل گرفته و طرفین خود را ملزم به قرارداد کرده‌اند (ماده ۱۷۶۷)، فساد شرط نباید به قرارداد سرایت کند.

۴-۲. اثر تعلیق بر انتقال منافع

اگر طرفین در قرارداد شرط فاسخی قرار دهند، از زمان تشکیل عقد، انتقال ملکیت انجام می‌گیرد؛ زیرا در عقود تملیکی به مجرد وقوع عقد، مورد معامله از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود (صفایی، ۱۳۹۶، ص. ۴۶)؛ بنابراین، تمامی منافع مال، از زمان عقد تا پیش از وقوع معلق علیه متعلق به منتقل‌الیه بوده و منافع مال، پس از وقوع شرط فاسخ و پایان قرارداد، به ناقل خواهد رسید. ماده ۴۵۹ قانون مدنی ایران می‌تواند مؤید همین حکم باشد.

اما وضعیت مالکیت منافع در عقد معلق، بسته به اینکه تعلیق در انشا باشد یا منشأ، متفاوت خواهد بود؛ زیرا اگر انشا معلق بر شرط باشد، چون متعاملین ایجاد مفاد عقد را موکول بر آن کرده‌اند، دیگر نمی‌توان بیان داشت که پس از تحقق شرط، عقد از ابتدا مؤثر بوده است و وقوع شرط کاشف از این می‌باشد که اثر آن از هنگام تراضی به وجود آمده است. چراکه پیش از تحقق شرط هیچ انشایی وجود ندارد (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۱، صص. ۱۸۳-۱۸۲)؛ ولی اگر تعلیق را در منشأ بدانیم، برای تعیین تاریخ ایجاد آثار تعهد، تحلیل قصد طرفین ضرورت خواهد داشت؛ زیرا در چنین صورتی، طرفین می‌توانند روز وقوع شرط را تاریخ ایجاد اثر عقد قرار دهند یا مؤثر در گذشته سازند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص. ۵۴). مطابق نظر امام خمینی که تعلیق را در انشا صحیح می‌دانند، منافع مال مورد معامله، از زمان توافق تا وقوع معلق علیه، متعلق به ناقل خواهد بود، چنانکه از ظاهر کلام خود ایشان نیز هویدا است^۱ (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص. ۳۵۰).

بالعکس آنچه در ایران بیان شد، اشتراط قهری پایان قرارداد، در فرانسه، جنبه انحلالی دارد، نه انفساخی؛ یعنی تعهد را از ابتدا پایان می‌دهد. ماده ۱۳۰۴-۷ قانون مدنی فرانسه اظهار می‌دارد: «وقوع شرط انحلالی، تعهد را به طور قهقرایی پایان می‌دهد». بر این اساس، منافع مال، از زمان عقد تا وقوع معلق علیه، به ناقل بازخواهد گشت. با این حال، مطابق قسمت اخیر ماده یادشده، طرفین می‌توانند خلاف این توافق کنند؛ اما ماده ۱۳۰۴-۶ قانون مدنی فرانسه برای وقوع شرط در تعلیق انعقاد قرارداد، اثر قهقرایی قائل نبوده و تعهد را از

۱. امام خمینی می‌گوید: «و أمّا إذا رجع القيد إلى الهيئة، فالتملك لنفس الطبيعة ولا يتحقق التملك إلا بعد حصول القيد أو المعلق عليه».

لحظه وقوع شرط، غیرمشروط فرض کرده است. البته طرفین می‌توانند اثر قهقراپی به وقوع معلق علیه بدهند. ماده ۱۷۷۵ قانون مدنی لوئیزیانا علی‌رغم آنکه تأثیر قهقراپی را از آغاز قرارداد پذیرفته؛ اما بیان می‌دارد: «وقوع معلق علیه... تأثیری بر مالکیت منافع متجدد در طول تعلیق، نخواهد گذاشت»؛ بنابراین، منافع مال در شرط فاسخ برای منتقل‌الیه و در تعلیق انعقاد قرارداد، برای ناقل است. در مقابل اصول یونیدوریت با حقوق ایران و دیدگاه امام خمینی موافق‌تر است. مطابق ماده ۵-۳-۲، وقوع شرط، چه در انعقاد قرارداد و چه در انحلال، تنها نسبت به آینده تأثیر خواهد داشت، مگر آنکه طرفین طور دیگری توافق کنند.

۵-۲. اثر تعلیق بر وفای به عهد

در عقد معلق تا پیش از وقوع معلق علیه، وفای به عهد برای متعهد لازم نیست و امکان اجبار وی به انجام موضوع تعهد وجود نخواهد داشت و طرف دیگر نمی‌تواند به استناد دین معلق به تهاتر تسکک جوید (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۸۰)؛ زیرا اصل حق برای متعهدله، هنوز، به وجود نیامده است (صفایی، ۱۳۹۶: ۳۵). شاید گفته شود که وفای به عهد به صورت معلق است که بر متعهد لازم می‌باشد تا به صورت معلق، زمینه وفای آن را عملیاتی کند^۱، اما نظر امام خمینی چنین نیست. چرا که مطابق با عقیده ایشان، چون فرد آزاد است تا پیش از وقوع معلق علیه، از انشأ رجوع کند (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۵۰)، هیچ ضرورتی به آماده‌سازی زمینه وفای به عهد وجود ندارد؛ اما در شرط فاسخ، هر چند تعهد در خطر انفساخ بوده، چون عقدی شکل گرفته، تعهد ناشی از آن نیز نافذ و قابل اجراست و به قولی، «شرط فاسخ، انحلال تعهد موجود و قابل مطالبه را معلق می‌کند» (کاتوزیان، الف ۱۳۹۵، ص ۱۱۸)؛ بنابراین، وجود شرط انفساخ در عقد نمی‌تواند متعهد را از تعهدی که دارد، برهاند. بر همین مبنا، پیش از وقوع معلق علیه در عقد معلق، اگر متعهد، تعهد خویش را وفا کند، می‌تواند آنچه را که داده است، مطابق ماده ۳۰۲ قانون مدنی ایران پس گیرد (صدیقیان و جعفری ندوشن، ۱۳۹۴، ص ۵۹). چنانکه قسمت اخیر ماده ۱۳۰۴-۵ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «هر آنچه [پیش از وقوع معلق علیه] پرداخته شده، مادامی که شرط واقع نشده

۱. درحالی که در شرط فاسخ، وفای به عهد به صورت منجز است.

باشد، قابل بازپس‌گیری است». در مقابل، چون در شرط فاسخ، عقد شکل گرفته و متعهد به تعهد خویش پایبند می‌گردد و وفای به چنین عهدی پیش از تحقق شرط فاسخ صحیح بوده، دیگر مشمول قواعد ایفای ناروا نخواهد شد و متعهد نمی‌تواند از تعهدات مشروعی که کرده بگریزد. حتی قانون مدنی فرانسه نیز که اثر قهقرایی به شرط انحلالی داده بود، در این باره اذعان داشته: «[شرط] اثر قهقرایی نخواهد داشت... اگر اجرای تعهدی که مبادله شده‌اند، اهداف خود را در جریان اجرای متقابل قرارداد انجام داده باشند»^۱ (ماده ۱۳۰۴-۷). پس اعمالی را که طرفین پیش از وقوع شرط انجام داده‌اند، به قوت خود باقی است. همین‌طور مطابق ماده ۱۷۷۶ قانون مدنی لویزیانا «در یک قرارداد برای اجرای تعهد مداوم یا دوره‌ای^۲، وقوع شرط انحلالی تأثیری بر صحت اجرای تعهد انجام‌شده، پیش از وقوع شرط، نخواهد گذاشت».

۶-۲. اثر تعلیق بر تصرفات طرفین پیش از وقوع معلق‌علیه

تأثیر تصرفات متعهد، پیش از وقوع معلق‌علیه، چیست؟ آیا برای طرفی که شرط به نفع او شده است، این حق وجود دارد که از تصرفات طرف دیگر جلوگیری کند؟ در عقد معلق، ولو آنکه آثار عقد ایجاد نمی‌گردد؛ اما «نوعی حق و تعهد ابتدایی در دوره انتظار به وجود می‌آورد که موضوع آن منحصراً حفظ مورد عقد در وضعیت زمان انشا» است (شهیدی، الف، ۱۳۹۶، ص. ۷۶)؛ بنابراین، تصرفات حقوقی ناقل ملکیت، معارض با حق منتقل‌الیه بوده و باید آن را باطل دانست. لکن این نظر مطابق با دیدگاه امام خمینی نیست که تعلیق را در انشا صحیح می‌دانند؛ زیرا وقتی انشا موقوف به امری گردد، هیچ حقی تا پیش از وقوع معلق‌علیه برای طرف دیگر ایجاد نخواهد شد. تا جایی که پیش از حصول معلق‌علیه طرفین می‌توانند از عقد رجوع کنند. چرا که عقد بر فرض حصول معلق‌علیه تشکیل شده

1. "The effect is not retroactive ... if the acts of performance that have been exchanged have fulfilled their aims in the course of the reciprocal" performance of the contract

2. periodic

و با عدم آن قراردادی نیز شکل نمی‌گیرد^۱ (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۵۰) و تملیکی نخواهد بود؛ بنابراین، تصرفات حقوقی ناقله ملکیت برای ناقل بلااشکال است و می‌تواند مال خویش را به دیگری انتقال دهد که به معنای رجوع وی از عقد است. تصرفات حقوقی غیرناقله ملکیت نیز به طریق اولی ضرری به عقد نمی‌رساند؛ زیرا ملکیت متعلق به ناقل است و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند (ماده ۳۰ قانون مدنی)، به علاوه، هیچ‌گونه تعارضی با تعلیق ندارد و مالکیت آینده طرف دیگر را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. تصرفات مادی نیز از همین قاعده پیروی می‌کند.

در شرط فاسخ، عده‌ای ابراز داشته‌اند، از تاریخ عقد تا وقوع معلق علیه، مال مورد معامله، ملک منتقل‌الیه محسوب می‌گردد. تصرفاتی که در مبیع می‌کند نافذ است و تحقق شرط در آینده به نفوذ آن صدمه نخواهد زد؛ اما چون مفاد شرط فاسخ نیز الزام‌آور است، مالکی که حق او در خطر زوال می‌باشد، نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که منافی با نفوذ شرط باشد و امکان تحقق آن را از بین ببرد (کاتوزیان، الف ۱۳۹۵، ص ۱۱۹). در تقویت این نظر می‌توان به وحدت مبنای ماده ۴۶۰ قانون مدنی در مورد بیع شرط استناد کرد (کاتوزیان، الف ۱۳۹۵، ص ۱۱۹) که مطابق آن مشتری نمی‌تواند تصرفاتی در مبیع بکند که منافی خیار است.

به نظر، اگر ماهیتی مستقل برای شرط فاسخ قائل باشیم، این حکم صحیح خواهد بود، نه اقاله معلق. لیکن در نشست قضایی استان اصفهان، شهر کاشان، به شماره ۱۳۹۹-۶۸۷۰ در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۴، به نظر اکثریت حاضر در نشست، قبل از تحقق معلق علیه در شرط فاسخ، عقد بیع بین خریدار و فروشنده صحیح بوده و تصرفات خریدار (شامل تصرفات مادی و حقوقی) در مبیع، تصرفات مالکانه است؛ بنابراین اگر خریدار مبیع را در فاصله بین انعقاد عقد تا وقوع معلق علیه به شخص ثالثی بفروشد، بیع واقع شده فی مابین خریدار و ثالث صحیح است. در نتیجه، از زمان تحقق شرط فاسخ، به علت انتقال مورد معامله، عین،

۱. امام خمینی بیان می‌دارد: «و ایضاً لازم رجوع القید إلى المادّة تماميّة العقد فعلاً و عدم جواز الرجوع من المتعاقدين قبل حصول القید و المعلق علیه، بخلاف ما لو رجع إلى الهيئة؛ لأنّ العقد علی فرض حصول القید، فمع عدمه لا عقد بينهما، بل إنشاء معلق، لو حصل المعلق علیه صار إنشاءً و عقداً» (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۵۰).

در حکم تالف بوده و خریدار مکلف به تحویل بدل عین است. ایشان در تقویت استدلال خویش به وحدت ملاک ماده ۲۸۶ قانون مدنی، در خصوص اقاله، اشاره داشته‌اند و معتقدند که انتقال مورد معامله در حکم تلف آن محسوب می‌گردد. از طرفی، عقد دوم را دارای تمامی شرایط صحت معامله دانسته‌اند (از جمله مالکیت فروشنده بر مال) و با توجه به اینکه مورد معامله انتقال یافته است و امکان بازگرداندن آن تبه وسیلهٔ مشروط‌علیه (خریدار) وجود ندارد، تکلیف او از مسترد کردن عین به دادن بدل (در صورت مثلی بودن، مثل و در صورت قیمی بودن، قیمت) تغییر می‌یابد. هرچند، اقلیت در این نشست قضایی معتقد بودند که بیع با وجود شرط فاسخ، مالکیت قطعی برای خریدار به وجود نمی‌آورد تا بر اساس آن بتواند مورد معامله را انتقال دهد و به صورت ضمنی این حق از خریدار سلب شده است. لذا در صورت تحقق شرط فاسخ، معامله دوم (فی مابین خریدار و ثالث) باطل است و امکان استرداد مبیع وجود دارد. اینان نیز از وحدت ملاک ماده ۵۰۰ قانون مدنی استفاده کرده‌اند.^۱ به عقیدهٔ امام خمینی حفظ مبیع بر منتقل‌الیه واجب است؛ زیرا مقتضای وجود چنین شرطی در عقد همین حکم است؛ اما اگر خریدار اقدام به فروش مال بکند، در اینکه آیا بیع دوم باطل است یا صحیح، دو وجه وجود دارد. منبای این دو وجه نیز ثبوت یا عدم ثبوت حکم وضعی بر شروط افعالی است. آنچه از کلام ایشان قابل استنباط می‌باشد^۲، این است که حفظ مبیع از احکام تکلیفی خریدار است و سبب بطلان بیع وی نمی‌شود؛ بنابراین، بیع وی صحیح است (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۵۸). کلام این فقیه بسیار شایسته به نظر می‌آید؛ بنابراین، حتی اگر تا پیش از وقوع معلق‌علیه، تکلیفی برای ناقل به وجود آید که مال مورد معامله را به همان وضع زمان انشأ حفظ کند، این امر چیزی جز یک حکم تکلیفی نمی‌باشد که حرمت ضد را مقتضی نیست تا بخواهیم از این ضد به بطلان بیع گرایش پیدا کنیم. پس چنین مدعایی باطل در باطل است^۳. همچنین است حکم ماده ۴۶۰ قانون مدنی.

1. <https://www.neshaSt.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/e62638c3-20f0-4f21-07bf-08d5ffc57273>, 12/04/1400 آخرین بازدید:

۲. «...بل ما هو مقتضی الشرط وجوب حفظه، لا حرمة بیعه» (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۵۸).

۳. به قول امام خمینی: «فلا وجه للبطلان إلا دعوی: کون وجوب الشیء مقتضیاً لحرمة ضدّه الخاصّ و کونها إرشاداً إلی البطلان و هی... باطل فی باطل» (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۳۵۸).

چراکه حکم، تکلیفی بوده و اثر وضعی بر تصرفات منتقل الیه ندارد؛ بنابراین، تصرفات منتقل الیه در زمان قبل از وقوع شرط فاسخ، صحیح است و حکم تکلیفی، ناقض را موظف به دادن بدل مال می‌کند.

در ماده ۱۳۰۴-۵ قانون مدنی فرانسه گفته شده: «تا وقتی که شرط تعلیقی [در انعقاد قرارداد] واقع شود، بدهکار باید از هرگونه عملی که مانع اجرای شایسته تعهد است، خودداری کند؛ و طلبکار می‌تواند هر اقدام لازمی را جهت حفظ حقوق خود انجام دهد و هر عملی را که بدهکار در تقلب از حقوق او انجام داده است، مورد تردید قرار دهد». پس متعهده می‌تواند جلوی تصرفات طرف دیگر را که مانع انجام کامل تعهد است، بگیرد. همچنین در خصوص شرط فاسخ مقرر می‌دارد: «وقوع شرط فاسخ به‌طور قهقراپی به تعهد پایان می‌دهد؛ اما هرگونه اعمال محافظت یا اداره را که ممکن است، انجام گرفته باشد، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد» (ماده ۱۳۰۴-۷). بر اساس ماده ۱۷۷۱ قانون مدنی لوئیزیانا متعهده تعهد معلق، در طی وقوع شرط، می‌تواند هرگونه اقدام قانونی را جهت حفظ حقوق خویش به کار گیرد. ماده ۴-۴-۵ اصول یونیدوریت نیز بیان داشته: «در طی وقوع شرط، یک طرف نمی‌تواند، برخلاف وظیفه رفتار مطابق با حسن نیت و معامله عادلانه، اقدامی انجام دهد که در صورت تحقق شرط به حقوق طرف مقابل خدشه وارد کند». بر این اساس، طرفی که از وقوع شرط نفع می‌برد، حق مشروطی دارد که باید مورد حمایت قرار گیرد و نباید به آن خدشه‌ای وارد شود.

لکن در حقوق انگلستان، با توجه به تراضی طرفین، اوضاع متفاوت خواهد بود. در دعوی *Campbell v Pym* (۱۸۵۶)، طرفین توافق کردند تا خواننده سه‌هشتم سود حاصل از اختراع جدید خواهان را بخرد؛ اما ایشان مقرر داشتند، تنها اگر شخص ثالثی (یکی از مهندسين خواننده) اختراع را تأیید کند، «قراردادی [وجود داشته] باشد». آن شخص اختراع را تأیید نکرد و دادگاه حکم داد که خریدار مسئولیتی در قبال عدم اجرای تعهد ندارد؛ زیرا طرفین هیچ قرارداد فروشی را تا زمان تصدیق اختراع قصد نکرده بودند و چون تصدیقی صورت نگرفت، توافقی نیز وجود نداشت^۱. برخی مستفاد از این رأی بیان داشته‌اند، در

1. Teacher, Law. (November 2013). *Pym v Campbell - 1856*. Retrieved from <https://>

چنین مواردی، طرفین حتی پیش از وقوع شرط می‌توانند از قرارداد رجوع کنند (Peel, 2010, p.142; Beatson & others, 2010, n.2, p.105). این عقیده موافقت بسیاری با نظر امام خمینی در خصوص تعلیق در انشا دارد. بر این اساس، طرفین می‌توانند هرگونه تصرفی در مال خویش بکنند؛ اما پذیرش این نظر در شرط فاسخ دشوار است. چراکه پیش از وقوع شرط، قرارداد مشروط تشکیل شده و طرفین نمی‌توانند آن را نقض کنند. باین حال، حتی در تعلیق انعقاد قرارداد، طرفین می‌توانند یک تعهد فرعی یک‌طرفه مقرر دارند تا فروشنده اقدام به تصرف در مال نکند یا خریدار از خرید آن سرباز نزند. هرچند تا پیش از وقوع شرط، هیچ‌گونه قرارداد دوطرفه (مثلاً فروش) شکل نخواهد گرفت (Beatson & others, 2010, p.142). همچنین، طرفین می‌توانند، تعلیق را در منشأ و عملکرد قرارداد ایجاد کنند. در پرونده *Ltd British Arco v Ltd Marketing Gas Total* (۱۹۹۸)، توافقی «مشروط به آنکه فروشنده تمامی تصدیقات مربوطه را از وزیر امور خارجه تأمین کند»، شکل گرفت (Beatson & others, 2010, p.143). در چنین قراردادهایی، هیچ‌کدام از طرفین نمی‌توانند از آن رجوع کنند، مادامی که مدت معین به پایان برسد یا یقین حاصل گردد که شرط واقع نخواهد شد (Peel, 2015, n.2, p.106). پس وظیفه‌دارند، مال را طوری حفظ کنند که مانع اجرای صحیح توافق نشود.

نتیجه

مطابق دیدگاه امام خمینی، تعلیق انعقاد قرارداد یعنی آنکه انشای عقد معلق بر وقوع امری گذشته و تا پیش از حصول آن امر قراردادی شکل نمی‌گیرد؛ زیرا تعلیق منشأ، به علت عدم امکان تعلیق در معانی تصویری، غیر عقلایی است. ضمن آنکه تعلیق انشا، در عالم اعتبار بلااشکال است. انفساخ عقد نیز می‌تواند معلق بر سببی بشود، به طوری که به محض وقوع سبب، عقد خودبه‌خود منفسخ گردد. بر این اساس، ماهیت تعلیقی این دو نهاد یکی بوده، لیکن تفاوت در اثر تعلیق است که یکی سبب انفساخ عقد و دیگری سبب ایجاد می‌گردد. بر همین مبنا، پیش از حصول معلق علیه در شرط فاسخ، قرارداد به طور کامل شکل می‌گیرد

و آثار آن به وجود می‌آید و پس از حصول معلق‌علیه، عقد منفسخ گشته و علی‌رغم آنکه اثر قهقرایی ندارد، آثار قرارداد را نسبت به آینده محو می‌نماید. برعکس، در عقد معلق، پیش از حصول معلق‌علیه، قراردادی به وجود نخواهد آمد و پس از آن، عقد شکل می‌گیرد و با توجه به تعلیق در انشا، نسبت به گذشته تأثیر نخواهد داشت.

بنابراین، وقوع معلق‌علیه چه در تعلیق انفساخ قرارداد و چه انعقاد آن اثر قهقرایی ندارد و تنها نسبت به آینده تأثیر می‌گذارد. به همین جهت تا پیش از وقوع شرط در تعلیق انفساخ قرارداد، انجام تعهد بر متعهد لازم است؛ ولی در تعلیق انعقاد عقد، انجام تعهد، مادامی که شرط واقع شود، بر متعهد لازم نیست. همچنین، مالکیت عین و منافع مال تا پیش از حصول معلق‌علیه در شرط فاسخ برای منتقل‌الیه است و در عقد معلق، به ناقل تعلق دارد؛ اما پس از حصول معلق‌علیه، مالکیت عین و منافع در شرط فاسخ به ناقل بازمی‌گردد و در عقد معلق به منتقل‌الیه می‌رسد. مستتبط از دیدگاه امام خمینی، تعیین مدت برای وقوع معلق‌علیه، در تعلیق انفساخ قرارداد، با توجه به وحدت ملاک آن با خیار شرط، لازم باشد. ولیکن در تعلیق انعقاد قرارداد، با توجه به صحت تعلیق در انشا، چنین لزومی وجود ندارد.

علاوه بر این، مطابق با عقیده امام خمینی، در عقد معلق، پیش از وقوع معلق‌علیه هیچ تکلیفی برای طرفین به وجود نمی‌آید و می‌توانند از آن رجوع کنند. درحالی که در شرط فاسخ، منتقل‌الیه وظیفه دارد مال را برای بازگرداندن به طرف دیگر پس از انفساخ، حفظ کند؛ اما این حکم تکلیفی است و تخطی از آن هیچ‌گونه آثار وضعی نخواهد داشت، هرچند، بنا به قاعده، موظف است، بدل آن را بدهد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- ابهری، حمید، افچنگی، زینب (۱۳۸۸). مفهوم، ماهیت و آثار شرط انفساخ در حقوق ایران. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، (۱)، ۷-۳۳. doi:10.22075/feqh.2017.1844
- اراکی، محمدعلی (۱۴۱۵ ق). کتاب البیع. قم: مؤسسه در راه حق.
- اسدی نژاد، سید محمد، بهارلو قره بلطاقی، جواد (۱۳۹۰). شرط فاسخ. پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱)، ۱-۱۷.
- https://jol.guilan.ac.ir/article_592_e9fa5cae667e8e977a993c2db92e9519.pdf
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ ق). مناهج الوصول إلى علم الأصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امامی، سید حسن (۱۳۹۵). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۱ ق). کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخيارات. قم: منشورات دارالذخائر.
- بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (بی تا). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷ ق). العناوین الفقهیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حکیم، سید محسن (بی تا). نهج الفقاهة. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
- خوانساری نجفی، سید موسی (۱۳۷۳ ق). منیة الطالب فی حاشیة المکاسب (تقریراً لابیاحات آیت الله محمدحسین الغروی النائینی). تهران: المکتبة المحمدیة.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهة. بی جا، بی نا.
- روشن، محمد، کرمی، سعید (۱۳۹۱). تأملی انتقادی - تحلیلی بر مبانی نظری عقد تعلیقی با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۴(۵۷)، ۸۷-۱۰۱.
- [dor: 20.1001.1.24236462.1391.14.57.4.7](https://doi.org/10.24236/20.1001.1.24236462.1391.14.57.4.7)

- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۲ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهیدی، مهدی (الف ۱۳۹۶). تشکیل قراردادهای تعهدات. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- شهیدی، مهدی (ب ۱۳۹۶). سقوط تعهدات. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- صدیقیان، عبدالله، جعفری ندوشن، جواد (۱۳۹۴). قلمرو نفوذ شرط فاسخ. مجله حقوقی دادگستری، ۷۹(۸۹)، ۵۵-۸۲. doi: 10.22106/jlj.2015.13355
- صفایی، سید حسین (۱۳۹۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی. تهران: نشر میزان.
- طباطبایی، سید مصطفی (۱۳۶۶). فرهنگ نوین عربی-فارسی. تهران: اسلامیه.
- عسکری، جعفر، جعفری، علی اکبر (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی شرط فسخ و فاسخ در فقه امامیه و حقوق ایران. آموزه‌های حقوقی گواه، ۴(۱)، ۲۹-۵۴. doi: 10.30497/leg.2018.2652
- عمید، حسن (۱۳۸۵). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر (الف ۱۳۹۵). نظریه عمومی تعهدات. تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر (ب ۱۳۹۵). دوره حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادهای. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۵ جلدی.
- محقق داماد، سید مصطفی، فنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن و عبدی پور، ابراهیم (۱۳۹۷). حقوق قراردادهای در فقه امامیه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). أنوار الفقاهة - کتاب البیع. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، سمعی زفرندی، زهرا (۱۳۹۰). تحلیل ماهیت و انواع قرارداد بیمه عمر با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۱۳(۵۲)، ۳۸-۱۳. dor: 20.1001.1.24236462.1390.13.52.3.9
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۸۸). ویژگی‌های معلق‌علیه در فقه، حقوق ایران و فرانسه. دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۲(۱)، ۱۴۱-۱۵۹.

- Abhari, H. & Afchangi, Z. (2010). The Significance, Nature and Consequences of Revocation Condition in the Iranian System. *Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence*, 1(1), 7-33. doi: 10.22075/feqh.2017.1844
- Amid, H. (2006). *Amid Dictionary*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Ansari, M. (1990). *Kitab al-Makasab al-Muharmah wa al-Baye wa Al-Khiyarat*. Qom: Dar al-Zakahaer Pulication. [In Arabic]
- Araki, M. A. (1994). *Kitab al-Bai*. Qom: Dar Rahe Hagh Institution. [In Arabic]
- Asadinezhad, S. M. & Baharloo Ghareboltagee, J. (2011). Resolatory Condition. *Criminal Law Research*, 2(1), 1-17. https://jol.guilan.ac.ir/article_592_e9fa5cae667e8e977a993c2db92e9519.pdf
- Asgari, J. & Jafari, A.A. (2018). Termination clause and dissolving condition in jurisprudence and Iran law. *Legal Educations Govah Bi-quarterly Journal*, 4(1), 29-54. doi: 10.30497/leg.2018.2652
- Beatson, J, Burrows, A. & Cartwright, j. (2010). *Anson's Law of Contract*. Oxford: Oxford University Press.
- Boroujerdi Abdo, M. (2001). *Civil law*. Tehran: Ganj Danesh Library. [In Persian]
- Elliott, C & Quinn, F. (2017). *Contract Law*. Harlow: Pearson Education Limited.
- Emami, S. H. (2016). *Civil Law*. Tehran: Islamiah. [In Persian]
- Furmston, M. & Tolhurst, G (2016). *Contract Formation: Law and Practice*. Oxford: Oxford University Press.
- Hakim, S. M. (n.d.). *Nahj al-Fiqahah*. Qom: 22 Bahman Publications. [In Arabic]
- Hosseini Ameli, S. J. (n.d.). *Miftah al-Karamah in the description of the Qur'an of al-Allamah*. Beirut: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]

-
- Hosseini Maraghi, S. M. A.(1996). *al-Anawin al-Fiqhiyah*. Qom: Publications of Daftare Tablighat Islami Howzeh Elmiayeh Qom. [In Arabic]
 - Katouzian, N. (2016_a). *General Theory of Obligations*. Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
 - Katouzian, N.(2016_b). *Civil Law Course – General Rules of Contracts*. Tehran: Enteshar Company. [In Persian]
 - Khomeini, S. R. (1994). *Menhaj Alvosol Ela Elmel Al-Osul*, Qom: Institute for compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Arabic]
 - Khomeini, S. R. (2000). *Kitab al-Bai*. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini's works. [In Arabic]
 - Khoui, S.A.(n.d.). *Misbah al-Faqaha*. no place, no publisher. [In Arabic]
 - Khwansari Najafi, S. M.(1954). *Maniya al-Talib fi Hashiya al-Makasab*. Tehran: Al-Muhammadiya Library. [In Arabic]
 - Makarem Shirazi, N.(2004). *Anwar al-Faqahah – Kitab al-Baya*. Qom: Publications of Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib. [In Arabic]
 - Martin, E. (2011). *Oxford Dictionary of Law*. Oxford: Oxford University Press.
 - McKendrick, E. (2016). *contract law*. London: Palgrave.
 - Mohagheq Damad, S. M, Qanavati, J, Vahdati Shobairi, S. H. & Abdipour, E. (2017). *Contract Law in Imamiyeh Jurisprudence*. Tehran: SAMT. [In Persian]
 - Moosavi Bojnourdi, S. M. & Sami'ie Zafarqandi, Z. (2011). An analysis of nature of different kinds of life insurance With special reference to viewpoints of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*, 13(52), 13-38. [doi: 20.1001.1.24236462.1390.13.52.3.9](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1390.13.52.3.9)
 - Peel, E. (2015). *The Law of Contract*. London: Sweet & Maxwell.

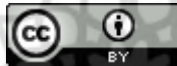
- Roushan, M. & Karami, S. (2013). A Critical-Analytical Reflection on the Theoretical Basis of Pending Contract with Special Reference to Imam Khomeini's Approach. *Matin Research Journal*, 14(57), 87-101. doi: 20.1001.1.24236462.1391.14.57.4.7
- Safai, S.H. (2016). *Civil Law Elementary Course*. Tehran: Mizan Publishing. [In Persian]
- Sedighian, A. & Jafari Nadoshsan, J. (2015). Influence Sphere of Dissolving Condition. *The Judiciarys Law Journal*, 79(89), 55-82. doi: 10.22106/jlj.2015.13355
- Shaheed Thani, Z. (1991). *Al-Rawzah al-Bahiya fi Sharh al-Lumata al-Damashqiyyah*. Qom: Publications of Daftare Tablighat Islami Howzeh Elmiyeh Qom. [In Arabic]
- Shahidi, M. (2016^a). *Formation of contracts and obligations*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly. [In Persian]
- Shahidi, M. (2016^b). *The Cancellation of Obligations*. Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly. [In Persian]
- Tabatabai, S. M. (1987). *Modern Arabic-Persian Dictionary*. Tehran: Islamiah. [In Persian]
- Teacher, Law. (29/7/2021): <https://www.lawteacher.net/cases/pym-v-campbell.php?vref=1>
- Yazdani, A.R. (2010). The characteristics of the event in suspended contract in Islamic jurisprudence, Iranian and French law. *Jurisprudence the Essentials of the Islamic Law*, 42(1), 141-152. https://jjfil.ut.ac.ir/article_20905_1f565f4d2022fcf3dc3b95da68ef8d2b.pdf
- <https://libguides.law.lsu.edu/c.php?g=693022>. (17/8/2021)
- <https://swarb.co.uk/bland-v-sparkes-and-another-ca-17-dec-1999/>. (23/7/2021)
- <https://www.neshast.org/Home/GetPublicJSessionTranscript/>

e62638c3-20f0-4f21-07bf-08d5ffc57273

- <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/blackletter2010-english.pdf>
- <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/integralversionprinciples2010-e.pdf>

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی